

Analysis of the Reasons for Infidelity in Women with Extra-marital Relationships: A Qualitative Study

Shima Messripour¹, Ozra Etemadi², Seyed Ahmad Ahmadi³ & Rezvanosadat Jazayeri

چکیده

با توجه به آمار بالاتر خیانت مردان، تمرکز مطالعات قبلی بر بررسی دلایل خیانت در این گروه جنسیتی بوده است. از سوی دیگر؛ از آنجایی که خیانت زناشویی پدیده‌ای است که فرهنگ، مردم و حتی خانواده‌های هر کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نتایج تحقیقات انجام شده در خارج از کشور را نمی‌توان به طور کامل برای خانواده‌های ایرانی تلفیق کرد. به همین منظور، این پژوهش با هدف تحلیل دلایل خیانت در زنان دارای روابط فرا زناشویی در قالب یک مطالعه کیفی انجام شد. این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. شرکت کنندگان شامل ۱۱ زن مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بودند. نمونه گیری هدفمند استفاده شد و تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به عنوان روش اولیه جمع آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و تحلیل مقایسه‌ای ثابت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از بررسی و تقسیم مفاهیم پایه، ۸۰۰ کد اولیه از مصاحبه استخراج شد. دسته بندی‌ها بر اساس کدها و پس از بررسی‌های متعدد و خلاصه سازی بر اساس شباهت‌ها ایجاد شدند. ماهیت این مضامین مفهومی و انتزاعی در سه دسته عوامل درون فردی، تعارضات زناشویی و دلایل جنسی قرار گرفتند. عوامل مؤثر بر خیانت زنان در این پژوهش دارای سه بعد بود. این عوامل شامل عوامل درون فردی، تعارضات زناشویی و دلایل جنسی بود. این یافته‌ها می‌تواند به روانشناسان، مشاوران خانواده و برنامه‌ریزان در حوزه علوم اجتماعی کمک کند تا حوزه‌ها و اهداف کارآمد را شناسایی کنند.

مقدمه

خیانت زناشویی یکی از عوامل تهدید کننده ساختار خانواده و در نتیجه اساسی ترین حس یعنی احساس تعلق است. همچنین ترس از طرد شدن را در بین افراد افزایش می‌دهد. علاوه بر این، خیانت زناشویی به عنوان یکی از عوامل تهدید کننده بر عملکرد، ثبات و استقامت روابط زناشویی و همچنین یکی از دلایل اصلی طلاق و فروپاشی ازدواج در نظر گرفته می‌شود (مارک، یانسن و میلیهوسن، ۲۰۱۱) و گویا دلایل آن برخی از عناصر رفتاری مانند نیازهای عاطفی و جنسی نامناسب، فرصت طلبی، بی مسئولیتی و فریب عمدی است که پذیرش آنها توسط افرادی که به نوعی درگیر این موضوع هستند چندان هم ساده نیست.

مطالعات انجام شده در مورد دلایل طلاق نشان می‌دهد که روابط جنسی خارج از ازدواج مهمترین عامل تأثیرگذار بر پایان ازدواج بوده است (تاتل و دیویس، ۲۰۱۵). در سایر موارد طلاق نیز مطالعات تحقیقاتی نشان می‌دهد که یکی از عوامل محرک خیانت زناشویی است (بورست، ۲۰۱۵). سوت و لوید (۱۹۹۵) در مطالعه‌ای گزارش کردند که در یک سوم طلاق‌ها در ایالات متحده؛ حداقل یکی از همسران درگیر رفتارهای جنسی خارج از ازدواج بوده است. همچنین، ۳۴ درصد از مردان و ۱۹ درصد از زنان در گروه‌های بزرگسال در ایالات متحده، در یک مرحله از زندگی خود مشارکت در روابط جنسی خارج از زناشویی را گزارش کرده‌اند.

آمار بالاتر خیانت در مردان، بسیاری از محققان را به بررسی دلایل خیانت و شناسایی عوامل این گروه جنسیتی کشانده است. برنر و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیقی در مورد میزان شیوع خیانت در مردان و زنان دریافتند که اگر تعریف خیانت محدود به رابطه جنسی نباشد و موارد دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد. نه تنها میزان خیانت در زنان کمتر نیست بلکه موارد بیشتری در زنان گزارش

خواهد شد. علاوه بر این، یافته‌های این مطالعه نشان داد که زنان پس از خیانت، بیشتر از شوهران خود جدا می‌شوند و با مردان درگیر (مردانی که با آنها رابطه جنسی نامشروع داشتند) ازدواج می‌کنند. محققان به این نتیجه رسیدند که مطالعاتی که در مطالعات قبلی میزان خیانت را در مردان گزارش می‌کردند، دارای اشکالاتی در ارائه یک تعریف گسترده و قابل قبول از خیانت بودند. کاهش تفاوت در میزان خیانت زن و مرد در مطالعات دیگر نیز آشکار شده است، مشروط بر اینکه تعریف خیانت زناشویی به طور گسترده در نظر گرفته شود (بارتا و کین، ۲۰۰۳؛ باس و همکاران، ۱۹۹۹). از این رو توجه به موضوع خیانت زنان و نقش آن در ایجاد مشکلات خانوادگی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است.

خیانت زناشویی مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های اجتماعی یک رویداد چند بعدی است که عوامل متعددی در آن دخیل هستند. با توجه به مصاحبه‌های کیفی در این پژوهش، عوامل اصلی مؤثر بر وقوع خیانت در زنان، عوامل درون فردی، دلایل جنسی و اختلافات زناشویی بود. بنابراین؛ محقق در بررسی برخی موارد به این نتیجه رسید که ویژگی‌های فردی مانند شخصیت و احساسات طلبی افراطی در زنان منجر به نارضایتی آنها از همسر و همچنین برآورده نشدن نیازها و جهت‌گیری آنها به سمت روابط برون زناشویی می‌شود. اما در مواردی مشاهده شد که تعارضات شدید زناشویی و مدیریت نادرست حل مسئله و نیز نیازهای عاطفی برآورده نشده زنان باعث کاهش هیجان و میل جنسی آنها شده و در نهایت منجر به روابط خارج از زناشویی می‌شود. به طور کلی این عوامل به صورت چرخه‌ای هستند و در موارد مختلف متفاوت هستند. در واقع بین این مولفه‌ها رابطه علت و معلولی وجود ندارد و هر عاملی به تنهایی نمی‌تواند منجر به خیانت زناشویی شود یا اینکه مسائل درون فردی منجر به اختلافات زناشویی و سپس ناامیدی جنسی و در نهایت نارضایتی زناشویی می‌شود که باعث خیانت زناشویی می‌شود یا اینکه درگیری‌های شدید زناشویی منجر به افسردگی یا ناامیدی جنسی یا تجربه جنسی قبل از ازدواج می‌شود و کنج‌کاوی شدید در زنان منجر به افزایش اختلافات زوجین می‌شود. و در نهایت وقوع خیانت زناشویی. این موضوع در موارد مختلف کاملاً متفاوت بود و به طور کلی تعامل و تأثیرات متقابل این عوامل می‌توانست منجر به روابط فرا زناشویی شود و به خودی خود عامل مؤثری مشاهده نشد. سهم هر یک از عوامل از اهداف این مطالعه نبود.

بدیهی است که دلایل خیانت در مردان بیش از زنان در مطالعات قبلی بررسی شده است، در حالی که عمده عواملی که به عنوان علل خیانت ذکر شده است بر اساس نتایج مطالعات کشورهای غربی است. از سوی دیگر؛ از آنجایی که خیانت زناشویی پدیده‌ای است که به شدت تحت تأثیر فرهنگ هر کشور، مردم و حتی خانواده است. نتایج تحقیقات انجام شده در خارج از کشور را نمی‌توان به طور کامل به خانواده‌های ایرانی تعمیم داد. با توجه به اینکه فرآیند این پژوهش بر اساس سوال اصلی تحقیق است. «دلایل خیانت در زنان با روابط خارج از زناشویی چیست؟» بهترین روش تحقیق برای این پژوهش، روشی است که ماهیت یک پدیده را در بافت طبیعی آن به همراه ساختار، فرآیند و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن تحلیل می‌کند. بر این اساس، پژوهش حاضر در قالب یک مطالعه کیفی به تحلیل دلایل خیانت در زنان دارای روابط خارج از ازدواج می‌پردازد.

روش:

این پژوهش یک تحقیق کیفی و در قالب روش تحلیل محتوا می باشد. تحلیل محتوای کیفی به عنوان روشی پژوهشی تعریف می شود که به عنوان تفسیر ذهنی از محتوای داده های متنی استفاده می شود. در این روش کدها و مضامین اولیه از طریق فرآیند طبقه بندی سیستماتیک شناسایی می شوند. تحلیل محتوا فراتر از استخراج محتوای واقعی از داده های متنی است. از طریق این روش، مضامین و الگوهای پنهان را می توان از محتوای داده های ارائه شده توسط شرکت کنندگان در مطالعه آشکار کرد (الو و همکاران، ۲۰۱۴).

جامعه آماری شامل کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بود. در این پژوهش از نمونه گیری هدفمند برای انتخاب شرکت کنندگان استفاده شد و تا اشباع داده ها ادامه یافت. معیارهای انتخاب شرکت کنندگان در این مطالعه شامل زنان بین ۲۰ تا ۷۰ سال، روابط فرا زناشویی، عدم توافق در مورد روابط باز، روابط طولانی مدت بیش از یک شب، روابط طولانی مدت با فرد دیگر و در نهایت عدم وجود اختلالات روانی عمده بود. قبل از مصاحبه، شرکت کنندگان از طریق فرم کوتاه نرم افزار آزمون MMPI برای بررسی سلامت روان مورد ارزیابی قرار گرفتند. پس از ظهور دسته های اول، انتخاب شرکت کننده بعدی بر اساس این سوال بود که او چقدر می تواند به شفاف سازی بیشتر دسته های در حال ظهور کمک کند. این روش نمونه گیری تا اشباع داده ها ادامه یافت. پس از مصاحبه با ۹ شرکت کننده، در این مطالعه به اشباع داده ها در عمل رسید و دسته های اولیه تشکیل شد. با این حال، برای اطمینان بیشتر، دو مصاحبه دیگر انجام شد اما هیچ داده جدیدی که منجر به شکل گیری کدها و دسته بندی های جدید شود، به دست نیامد. بدین ترتیب در مجموع ۱۱ شرکت کننده مصاحبه شدند.

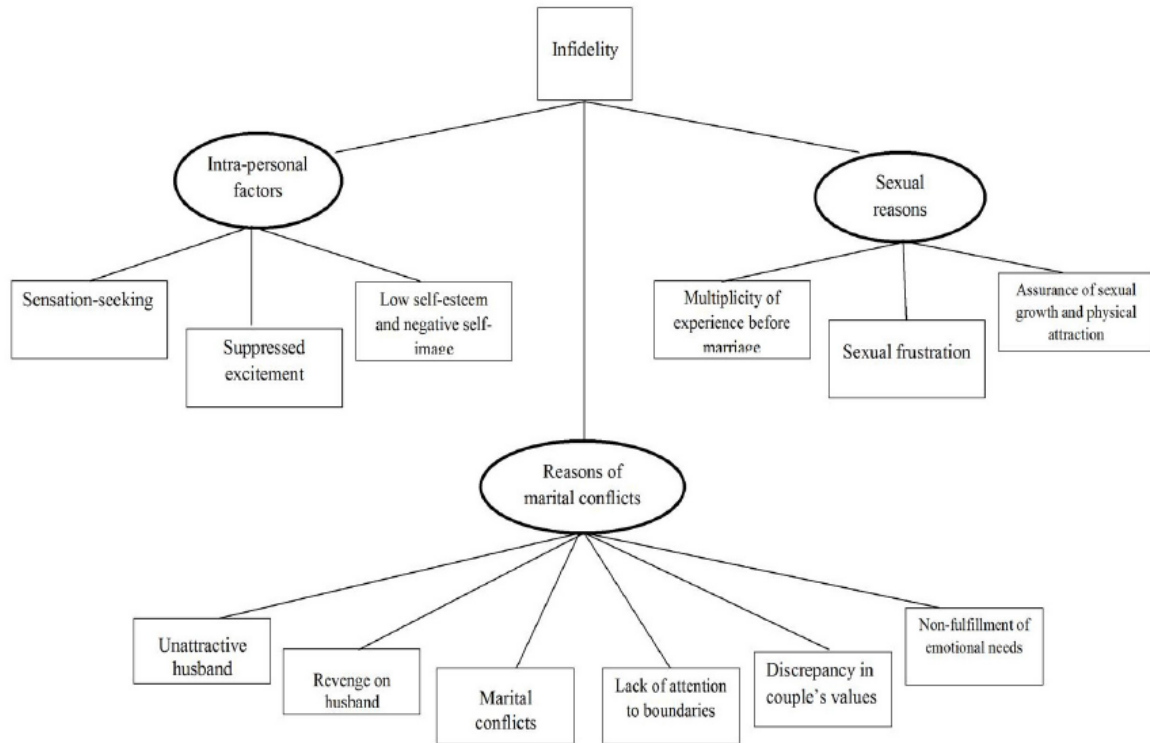
روش اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با سوالات باز بود. این نوع مصاحبه یکی از رایج ترین روش های جمع آوری داده ها در تحقیقات کیفی است (ویلیگ، ۲۰۱۳). مصاحبه را رویکرد راهنمای مصاحبه عمومی نیز می نامند. راهنمای مصاحبه با استفاده از مصاحبه اولیه از پیش ساخته شده، پیش آزمون شد، برخی از سوالات بازنویسی شدند و موارد دیگری به مصاحبه اضافه شد. در این پژوهش، مصاحبه گر پس از دریافت اطلاعات دموگرافیک، ابتدا مصاحبه را با سوالات عمومی آغاز کرد. برخی از سوالات کلیدی برای شرکت کنندگان شامل موارد زیر بود:

تعریف شما از روابط برون زناشویی چیست؟ چه روابطی فرا زناشویی محسوب می شوند؟ در چه سالی از ازدواجتان وارد این رابطه شدید؟ به نظر شما چه عواملی در روابط برون زناشویی موثر است؟ چگونه اختلافات زناشویی خود را مدیریت کردید؟ قبل از وارد شدن به چنین روابطی چه فکری می کردید؟ نقش افراد، رویدادها یا حتی نهادها و سازمان های جامعه در شیوع خیانت زناشویی چیست؟ استرس های اصلی شما در زندگی چیست؟ جذابیت های شما و همسران در ابتدای ازدواج چه بود؟

نتایج

در مجموع ۱۵ زن در این مطالعه وارد شدند، اما ۳ نفر از آنها به دلیل اختلال دوقطبی از مطالعه خارج شدند و ۱ زن به دلیل اعتیاد جنسی خط خورده بودند. اطلاعات دموگرافیک شرکت کنندگان در جدول ۱ نشان داده شده است. پس از بررسی و تفکیک مفاهیم پایه، ۸۰۰ کد اولیه از مصاحبه ها جمع آوری شد. دسته بندی ها بر اساس کدها و بررسی ها و جمع بندی های مکرر و با توجه به شباهت ها ایجاد شدند. با بررسی و مقایسه بیشتر مقولات، معانی درونی آنها در قالب مضامین اولیه شناسایی شد. ذاتاً این مضامین

مفهومی و انتزاعی نامیده شدند. بر این اساس، این مضامین دلایل خیانت را به همراه داشت. این دسته بندی ها شامل (۱) عوامل درون فردی، (۲) تعارضات زناشویی. و (۳) دلایل جنسی.



(۱) عوامل درون فردی

در این مقوله مفاهیمی برآمده از ویژگی های فردی مانند ویژگی های شخصیتی یا ژنتیک افراد ارائه شد. این عوامل در سه زیرمجموعه هیجان خواهی، عزت نفس پایین و خودانگاره منفی و هیجان سرکوب شده طبقه بندی شدند.

هیجان خواهی

احساس خستگی و ناامیدی از زندگی زناشویی به دلیل ویژگی های روانی از جمله مواردی است که شرکت کنندگان به آن اشاره می کنند. در این رابطه یکی از شرکت کنندگان بیان کرد:

"نمی دانم که آیا زندگی برای من خسته کننده شده است یا نه."

بی حوصلگی با برخی از تجربیات برای برخی از شرکت کنندگان و حس کنجکاوی در میان دیگران همراه بود. تجارب زنان با ویژگی های روانی قبل از ازدواج مرتبط بود. یکی از شرکت کنندگان گفت:

«از دوران مجردی خیلی شیطون بودم. من نمی توانستم با شوهرم خوش بگذرانم، اما با شخص دیگری حال خوبی داشتم.»

به دلیل کمبود تجربه، سایر شرکت کنندگان حس کنجکاوی قوی داشتند. یکی از شرکت کنندگان اشاره کرد که:

می دانید که من در دوران مجردی خود چنین رابطه ای را تجربه نکرده ام و فقط می خواستم ببینم چه حسی دارد.

یکی دیگر از شرکت کنندگان اظهار داشت که:

"رابطه جنسی با شخص دیگری کاملاً یک تجربه جدید بود."

در نهایت، یکی از شرکت کنندگان ارضای نیازهای احساس طلبی خود را از طریق داشتن چنین رابطه ای در نظر گرفت که در:

"فقط داشتن یک رابطه عاشقانه برای من جالب بود."

عزت نفس پایین و خودانگاره منفی

از عوامل مرتبط با ویژگی های فردی، عزت نفس پایین و خودانگاره منفی بود. شرکت کنندگان اظهار داشتند که از جذابیت کافی برخوردار نیستند که به یکی از دلایل کاهش عزت نفس در بین آنها منجر شده است. در این خط شرکت کنندگان گفتند:

من از دیدگاه دیگران جذاب نبودم. در واقع، او اولین کسی بود که توجه زیادی به من داشت.»

من فقط می خواستم ببینم آیا برای شوهرم دوست داشتنی نیستم یا نه. یا هیچ کس دیگری مرا دوست ندارد بنابراین چنین وابستگی بین ما ایجاد شد.»

هیجان سرکوب شده

مصاحبه شونده از خود به عنوان افراد عاطفی ذهنی یاد کردند. یکی از شرکت کنندگان تاکید کرد که:

"من همیشه یک کودک درونی فعال داشته ام."

با این حال، شرکت کنندگان تاکید کردند که چنین هیجانی در زندگی توسط همسرانشان سرکوب شده است. یکی از شرکت کنندگان در این رابطه گفت:

"هر کاری که برای گفتن دوستت دارم به شوهرم انجام دادم بی تاثیر بود زیرا او همیشه می گفت که این سن ما مناسب نیست. او همیشه مرا بچه صدا می کرد. هیچ عشقی در زندگی زناشویی ما وجود نداشت.»

تعارضات زناشویی به تعاملات و واکنش های زن و شوهرش اطلاق می شود. این مقوله شامل نیازهای عاطفی برآورده نشده، بی ثباتی و تفاوت ارزش های زوجین، عدم توجه به مرزها، اختلافات زناشویی، انتقام از شوهر و شوهر نامناسب بود.

عدم برآورده شدن نیازهای عاطفی

یکی از مهمترین عبارات مصاحبه شوندگان عدم برآوردن نیازهای عاطفی توسط همسرانشان بود. شرکت کنندگان بیان کردند که:

ما هرگز با هم صحبت نمی کنیم.»

همسر من بیرون از خانه با دیگران سر حال بود، اما در خانه برای من ناراحت بود.

"به طور کلی، من در زندگی خود را با احساسات و نیازهای خودش فراموش کرده بودم."

نیاز زنان به توجه و مراقبت از سوی همسران به عنوان یکی از مهمترین نیازهای عاطفی ذکر شد.

او به من اهمیت نمی داد و تمام توجهش به خانواده اش بود و من همیشه احساس پوچی روانی داشتم.

"در زندگی ام همیشه به دنبال چیزی بودم که زمان تنهایی ام را پر کند."

اختلاف در نیازها و اهداف

زنان در این مطالعه اظهار داشتند که همسرانشان درک خوبی از برآورده شدن نیازهای خود ندارند. یکی از خواسته های اساسی زنان صداقت همسرشان بود. یکی از شرکت کنندگان در این رابطه گفت:

من انتظار داشتم که او با من صادق باشد، اما او صادق نبود.

در برخی موارد این خواسته ها در نیازهای اقتصادی بیان می شد.

شوهر باید تمام نیازهای اقتصادی همسرش را برآورده کند، اما شوهرم به این نیازها توجه نکرد.

علاوه بر این، عدم تطابق در اهداف و همچنین درک متقابل توسط همسران توسط زنان ذکر شد.

من و شوهرم در زندگی اهداف یکسانی نداشتیم. ما هرگز هدف مشابهی نداشتیم.»

شوهرم مرا درک نکرد.

ما همیشه مجبور بودیم مدت زیادی با هم بحث کنیم تا کوچکترین چیزها را بفهمیم.»

می خواستم بدون بیان نیازهایم برآورده شود، اما شوهرم متوجه آن نشد و من همیشه به زور و تقلب متوسل شدم.»

عدم توجه به مرزها

رعایت نکردن حریم خصوصی و تعیین حد و مرز در زندگی زناشویی عامل دیگری بود که در زنان و همچنین همسرانشان مشاهده شد. شوهران مصاحبه شونده هیچ تأکیدی بر حفظ حریم خصوصی خانواده نداشتند. در این رابطه شرکت کنندگان بیان کردند که:

شوهرم با دوستان رابطه خوبی داشت و این باعث شد که با آنها ارتباط نزدیک تری داشته باشم.

ما دائماً با اقوام و غریبه ها در تماس بودیم.»

در برخی موارد، عبور از خط قرمز توسط یک زن، واکنش مشابهی به عدم محدودیت در روابط توسط همسرش بود. یکی از شرکت کنندگان گفت:

شوهرم با دوستانم رابطه باز داشت.

علاوه بر این، عدم پایبندی به این مرزها ممکن است در طول زمان تغییر کند و حساسیت به این مرزها را کاهش دهد. برخی از شرکت کنندگان اظهار داشتند که:

"همه همکاران من در محل کار تقریباً همیشه در مورد این روابط صحبت می کنند."

"خانواده برای من معنی ندارد و فقط برای والدین ما معنی دارد."

اختلاف زناشویی

شرکت کنندگان بیان کردند که در زندگی زناشویی خود با تفاوت های گوناگونی مواجه بودند. این تفاوت ها شامل اجازه به دیگران برای مداخله در زندگی زناشویی، اعتیاد شوهر و ناهماهنگی در نقش های زوجین بود. در این راستا شرکت کنندگان مجدداً تأکید کردند که:

مادرشوهرم در تمام اتفاقات زندگی زناشویی ما دخالت دارد و این مرا دیوانه می کند.

از روز اول ازدواجمان فقط یک شرط داشتم که شوهرم اعتیاد نداشته باشد، اما در نهایت او تبدیل به یک معتاد شد.

من مجبور بودم به دیدار خانواده اصلی شوهرم ادامه دهم، اما او مسئولیت مشابهی در قبال خانواده من نداشت.»

نقش من فقط تربیت بچه ها بود. او فقط به پیشرفت و رشد خود و چگونگی بالا رفتن از نردبان موفقیت فکر می کرد.

او نمی توانست وقایع زندگی مشترک در زندگی زناشویی ما را به خاطر بیاورد. و وقتی شکایت کردم، مدام می گفت که تو مثل بچه ها رفتار می کنی.»

هر بار که در مورد نگرانی هایم با او صحبت می کردم، با هم دعوا می کردیم. و اگر در مورد آنها صحبت نمی کردم، پنهانی به من مشکوک می شد. به طور کلی، من هیچ گزینه دیگری نداشتم.»

ما فقط در خانه دعوا و دعوا کردیم.»

انتقام از شوهر

رفتارها و واکنش‌های آزاردهنده شوهر از جمله عدم محبت، ارتباط با زنان دیگر یا صحبت در مورد روابط از جمله عواملی بود که زنان را به واکنش یا انتقام گرفتن از شوهر تشویق می‌کرد. شرکت کنندگان اظهار داشتند که:

هزار بار به او گفتم دوستت دارم، اما او توجهی نکرد.

من همیشه می‌دانستم که او تمایل دارد با خواهرم ازدواج کند.

او در مورد بسیاری از دوست دختران سابق و روابط خود با آنها صحبت می‌کرد.

"صدایی در درون من همیشه مرا وسوسه می‌کرد تا خودم را ثابت کنم و نشان دهم که از او کمتر نیستم."

صد بار گفتم اگر رفتارت را تغییر ندهی من هم همینطور رفتار می‌کنم، اما او بی تفاوت بود.

او همیشه فکر می‌کرد که فقط جذاب و خوش تیپ است.

شوهر غیر جذاب

شوهر غیرجذاب یکی از عوامل مؤثر در تعارضات زناشویی بود. عدم جذابیت ممکن است از ابتدای ازدواج یا بعد از ازدواج به دلیل تغییر در ظاهر زوجین وجود داشته باشد. شرکت کنندگان در این خصوص گفتند:

"من از ابتدا او را دوست نداشتم."

من از قد و هیکل شوهرم متنفرم.»

"شوهر من خوش استایل و خوش لباس نیست."

«دوستان، اقوام یا همسایه‌هایم تقریباً همیشه به من می‌گفتند حیف است که با چنین شخصی ازدواج کردی.»

«بعد از اعتیاد شوهرم، نتوانستم ظاهر او را تحمل کنم.»

من همیشه چهره دوست پسر سابقم را در ذهنم تصور می‌کردم و احساس پشیمانی می‌کردم.

"کاش شوهرم مثل بقیه مردها خودش را جذاب نگه می‌داشت"

دلایل جنسی

عوامل مرتبط با نیازهای جنسی زنان در این دسته قرار گرفتند. این عوامل در سه زیرمجموعه کنجکاوی برای تجربیات جنسی، تجربیات جنسی قبل از ازدواج و ناکامی جنسی دسته‌بندی شدند.

کنجکاوی برای تجربیات جنسی

برخی از زنان بررسی رشد جنسی و اطمینان از توانایی کامل جنسی را از دلایل خیانت زناشویی خود عنوان کردند. در این زیر مجموعه، شرکت کنندگان اظهار داشتند که:

می‌خواستم ببینم که آیا مانند سایر زنان نقطه G دارم یا خیر.

"من نمی‌دانستم که آیا توانایی رضایت شوهرم را داشته‌ام یا نه."

من می‌خواستم توسط شخص دیگری غیر از شوهرم مطمئن شوم که هیچ مشکلی با جنسیت ندارم.

من می‌خواستم قبل از بازگشت شوهرم از مسافرت کاری توسط مرد دیگری از نظر جذابیت جنسی تایید شوم.

«همسرم همیشه هیچ بازخوردی به من نداشت، هرچند دوره‌های آموزشی در این زمینه داشتم. او همیشه به من می‌گفت تو خوبی اما من از اول می‌دانستم که او فقط دروغ می‌گوید.

"من عاشق رابطه جنسی با افراد بسیار کوچکتر یا خیلی بزرگتر از خودم بودم."

تجربیات جنسی قبل از ازدواج

داشتن روابط جنسی و ادامه آن خواسته یا ناخواسته پس از ازدواج به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دلایل جنسی مورد تاکید قرار گرفت. شرکت کنندگان در این خصوص اظهار داشتند که:

"من بعد از ازدواج سعی کردم پارتنر قبلی را از نظر جنسی نادیده می‌گرفتم، اما تلفی هر از چند گاهی باهاش در ارتباط بودم."

من در ایسنتاگرام دوست پسر سابقم را دنبال می‌کردم و وسوسه می‌شدم.

"زندگی مجردی پر از وسوسه و هیجان بود."

"من در روابط جنسی با شوهرم هیچ ارگاسمی نداشتم."

قبل از ازدواج، هر روز یک سبک جنسی را تجربه می‌کردم.

باید بگویم که به رابطه جنسی معتاد بودم.

«تنها باری که در تمام طول عمرم خوش گذراندم دوران مجردی ام بود. من با دوست پسر سابقم رابطه جنسی و روابط زیادی داشتم.»

«برای فرار از خانه بعد از دعوا، با مردی می‌خوابیدم و رابطه جنسی داشتم. من به این عادت کردم و بعد از ازدواج نتوانستم این عادت را ترک کنم.»

ناکامی جنسی

عدم ارضای نیازهای جنسی یا شکایت از روابط جنسی با شوهر از دیگر عوامل مرتبط با روابط خارج از ازدواج بود. شرکت کنندگان بیان کردند که:

من معنی رابطه جنسی را نمی دانستم.

هر بار که به او می گفتم بیا با هم بخوابیم، مرا مسخره می کرد و مثل یک فاحشه مرا صدا می کرد.

شبهایی که با هم دعوا می کردیم، او در اتاق خواب ما نمی خوابید.

ما هر ۴ ماه رابطه جنسی نداشتیم.

او همیشه برآورده شدن نیازهای یک زن را بی اهمیت می دانست.»

«هر شب؛ وقتی راضی شد، خواب زیبایی داشت.»

متأسفانه هرگز مزه رابطه عاشقانه یا جنسی را با شوهرم نچشیدم.

"هر بار که لباس جدیدی می پوشیدم یا آرایش جدیدی می کردم، شوهرم با استفاده از الفاظ بد و ناخوشایند بهم میگفت و همیشه می خورد تو ذوقم.

"قبل از ازدواج با چند نفر رابطه داشتم و ارگاسم میشدم ولی با شوهرم هرگز چنین چیزی تجربه نکردم."

هر شب با بهانه هایی از جمله خسته ام، حالم ندارم، امشب وقتش نیست، از رابطه فرار میکرد و بی توجه به من پشتشو میکرد می خوابید. و من گریه میکردم و توجهی نداشت.»

بحث و نتیجه گیری:

برای کمک به افراد درگیر در روابط فرا زناشویی، نیاز به درک درستی از ویژگی ها، قابلیت ها و نیازهای زوجین وجود دارد، زیرا وقوع این رویداد آسیب زا در زندگی، زوجین را با یک بحران بزرگ مواجه می کند. از این رو، هدف این پژوهش شناخت بهتر عوامل مؤثر در خیانت در زنان بود. پس از کدگذاری و طبقه بندی، تحلیل محتوای مصاحبه ها نشان داد که دلایل خیانت زناشویی را می توان در سه دسته عوامل درون فردی (هیجان خواهی، عزت نفس پایین و خودانگاره منفی، و هیجان سرکوب شده)، تعارضات زناشویی (برآورده نشدن نیازهای عاطفی، بی ثباتی و تفاوت در ارزش های زوجین، عدم توجه به مرزها، اختلافات زناشویی، انتقام از شوهر و شوهر غیرجذاب) و دلایل جنسی (کنجکاوی برای تجربیات جنسی، تجربیات جنسی قبل از ازدواج و ناامیدی جنسی) دسته بندی کرد.

در راستای این مطالعه، بسیاری از مطالعات قبلی دیگر نیز به اهمیت عوامل و انگیزه های فردی برای داشتن روابط فرا زناشویی اشاره کرده اند (شکلرورد، بسسر و گوتز، ۲۰۰۸، آلن و همکاران، ۲۰۰۸، ویسمن، گوردون و چاتاو، ۲۰۱۵). اتوود و سیفر (۱۹۹۷) در مطالعه خود در زمینه

تفاوت های فردی، نگرش ها و باورهای افراد در مورد عشق، اعتمادسازی و مشکلات مربوط به صمیمیت را از مهم ترین عوامل مؤثر بر بروز روابط خارج از زناشویی دانستند.

همسو با نتایج این مطالعه، سایر تحقیقات نیز نشان داده اند که برخی از روابط فرا زناشویی ناشی از سرخوردگی در زندگی زناشویی است. در این راستا، هیجان خواهی به عنوان واکنشی در برابر ناامیدی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل پیش بینی خیانت به حساب می آید. به نظر می رسد ویژگی های شخصیتی افراد هیجان خواه با خطر رفتارهای جنسی جدید، متنوع و تکنشی مرتبط است. بر این اساس، چنین افرادی شرکای جنسی بیشتری دارند و به رفتارهای جنسی پرخطر و نگرش های سهل آمیز نسبت به رابطه جنسی تمایل دارند (زاگرم، ۲۰۰۷). در راستای نتایج این پژوهش، روحیه ماجراجویی در برخی از زنان همراه با عدم پاسخگویی و در برخی موارد سرکوب آنها توسط همسران در مطالعات دیگری ذکر شده است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۰). از سوی دیگر؛ زنان درگیر خیانت برای حفظ و تقویت عزت نفس و خودانگاره خود سعی دارند با رفتار خود نشان دهند که عزت نفس آنها بالاست و مشکلی در این زمینه وجود ندارد. این گروه از افراد برای اثبات خود به دنبال روابط خارج از سیستم خانواده هستند (ویگینز و لدر، ۱۹۸۴).

در این پژوهش، تعارضات زناشویی از عوامل مهم مؤثر بر خیانت زنان در نظر گرفته شده است. بر اساس نظریه برآورده شدن نیاز توسط دریگوتاس و راسبولت (۱۹۸۴)، روابط و امکان ارضای آن، علاوه بر نیازهای جنسی، چهار شرط را نیز برآورده می کند. این نیازها شامل صمیمیت، عشق و رفاقت، امنیت و نیازهای عاطفی است. این پنج نیاز معمولاً در روابط زناشویی به نحو مطلوبی برآورده نمی شوند که منجر به بروز مشکلاتی در روابط بین زوجین مانند عدم تعهد به شوهر شده است. - طبقه بندی اختلافات زناشویی اتوود و سیفر (۱۹۹۷) مشکلات مرتبط با صمیمیت و عدم برآوردن نیازهای عاطفی شوهر را به عنوان دلایل درگیر شدن در روابط فرا زناشویی ذکر کردند. عدم هماهنگی و عدم ثبات در اهداف مشترک از دیگر زیرمجموعه های این حوزه بود. بونک و دیجکسترا در نظریه خود بیان کردند که اگر فردی معتقد باشد که روابط فعلی آنها قابلیت کمی برای گسترش ظرفیت ها دارد، احتمالاً روابط جدیدی را برای جبران آنها ایجاد می کند.

در این پژوهش باورها و ارزش های سهل انگیز و عدم توجه به حدود مسائل جنسی با خیانت به شوهر مرتبط است. در توافق با این تحقیق، سایر مطالعات نیز نگرش ها و جهت گیری های فردی نسبت به روابط شوهر را در میان متغیرهای پرخطر بین فردی در نظر گرفتند (ویزر و همکاران، ۲۰۱۵). لازم به ذکر است که افرادی که درگیر روابط فرا زناشویی می شوند، نگرش سهل گیرانه تری نسبت به این موضوع دارند. اگرچه برخی از افرادی که همیشه این مسائل را اشتباه می دانند، نیز درگیر می شوند. با این حال، مطالعات نشان می دهد که افراد و به طور کلی زوج هایی که نگرش های سهل آمیزتری در مورد رعایت مرزهای اخلاقی در خانواده شان دارند، بیشتر درگیر خیانت و رفتارهای مرتبط با آن هستند (هاکاثورن و همکاران، ۲۰۱۱).

تعارضات زناشویی نیز با میزان بالاتری از خیانت در روابط همراه است. به جز چند استثنا، مطالعات نشان داد که بین خیانت و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد. مطالعه آلن و رودز (۲۰۰۷) نشان داد که در زوج هایی که زنان در سال اول زندگی زناشویی خود درگیر خیانت می شوند، روابط متقابل با شوهر به طور قابل توجهی منفی است و زوج ها متقابلاً یکدیگر را تحقیر می کنند. تحقیقات دیگر همچنین تاکید کرده اند که خیانت زنان ارتباط تنگاتنگی با درگیری های زناشویی و نارضایتی دارد. با این حال، خیانت مرد بیشتر با نارضایتی جنسی همراه است.

بر اساس نتایج این تحقیق، زنان به دلیل کینه تیزی که از همسرشان دارند، ممکن است انتقام بگیرند و خیانت را انتخاب کنند. به عنوان مثال، زنی که به شوهرش بدبین است یا سخنان او را در مورد روابط قبل از ازدواج می شنود، تحت فشار قرار می گیرد و تمایل به انتقام گرفتن از روابط خارج از ازدواج دارد. این امر در زنان رایج است زیرا آنها همیشه فکر می کنند که از کارهای اشتباه شوهرشان انتقام می گیرند. پژوهشی توسط گوئررو و باخمن (۲۰۰۸) با عنوان سبک روابط زناشویی نشان داد که روابط بدخواهانه منجر به کاهش روابط زوجین و انتقام جویی می شود. اگرچه در طول زندگی زناشویی، زوج ها ممکن است از ظاهر همسرشان خسته شوند یا جذابیت همسرشان را یکنواخت و غیر جالب بدانند. داشتن جذابیت اولیه برای شوهر و حفظ آن یکی از عوامل مهمی است که زنان درگیر خیانت در این پژوهش به آن اشاره کرده اند. لی و کنریک (۲۰۰۶) نیز جذابیت را به عنوان یک عامل پیش بینی کننده مؤثر بر روابط خارج از زناشویی برشمردند.

دلایل جنسی از سومین علل خیانت زنان در روابط زناشویی در این پژوهش، بود. طبق نظریه وابستگی متقابل، افراد مزایا و معایب روابط فعلی خود را بر اساس دو معیار می‌سنجند. یکی مقایسه رابطه فعلی با انتظارات و تصورات قبلی فرد از ازدواج و دومین معیار مقایسه روابط زناشویی با دیگران است. نتایج و پیامدهای به دست آمده توسط یک فرد در مورد این دو مقایسه، ارتباط نزدیکی با روند خیانت دارد.

مطابق با این مطالعه، تحقیقات دیگر نیز نشان داد که سؤالاتی در مورد مطلوبیت، جذابیت و توانایی جنسی یک فرد ممکن است کافی باشد تا برخی از زنان به دنبال اثبات و تأیید ارزش و جذابیت خود از طریق روابط جنسی نامشروع خود باشند (باگاروزی، ۲۰۰۷). در همین حال، کسانی که در گذشته رابطه جنسی داشتند بیشتر درگیر خیانت بودند. افرادی که از ازدواج خود ناراضی هستند در جستجوی رضایت جنسی در جای دیگری هستند. ناراضی جنسی در سال اول زندگی زناشویی آنها را در برابر خیانت آسیب پذیر می‌کند. در راستای این مطالعه، تحقیقات دیگر نیز نشان داد که افرادی که از روابط جنسی خود ناراضی هستند، تمایل بیشتری به درگیر شدن در روابط فرا زناشویی دارند (پرویتی، ۲۰۰۴). در مطالعات دیگر، محققان توانایی روابط زوجین در ارضای نیازهای آنها و تأثیر آن بر خیانت را بررسی کردند. ارضای نیازها را احتمالاً می‌توان به عنوان شاخصی در تعیین رضایت زناشویی زوجین و در نهایت تأثیر آن بر روابط فرا زناشویی در نظر گرفت (Le & Agnew, 2001).

خیانت زناشویی مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های اجتماعی یک رویداد چند بعدی است که عوامل متعددی در آن دخیل هستند. با توجه به مصاحبه‌های کیفی در این پژوهش، عوامل اصلی مؤثر بر وقوع خیانت در زنان، عوامل درون فردی، دلایل جنسی و اختلافات زناشویی بود. بنابراین؛ محقق در بررسی برخی موارد به این نتیجه رسید که ویژگی‌های فردی مانند شخصیت و هیجان خواهی افراطی در زنان منجر به ناراضی‌هایی آنها از همسر و همچنین برآورده نشدن نیازها و جهت‌گیری آنها به سمت روابط فرا زناشویی می‌شود. اما در مواردی مشاهده شد که تعارضات شدید زناشویی و مدیریت نادرست حل مسئله و نیز نیازهای عاطفی برآورده نشده زنان باعث کاهش هیجان و میل جنسی آنها شده و در نهایت منجر به روابط خارج از چارچوب رابطه می‌شود. به طور کلی این عوامل به صورت چرخه‌ای هستند و در موارد مختلف متفاوت هستند. در واقع بین این مولفه‌ها رابطه علت و معلولی وجود ندارد و هر عاملی به تنهایی نمی‌تواند منجر به خیانت زناشویی شود یا اینکه مسائل درون فردی منجر به اختلافات زناشویی و سپس ناامیدی جنسی و در نهایت ناراضی‌های زناشویی می‌شود که باعث خیانت زناشویی می‌شود یا اینکه درگیری‌های شدید زناشویی منجر به افسردگی یا ناامیدی جنسی یا تجربه جنسی قبل از ازدواج می‌شود و کنجکاوای شدید در زنان منجر به افزایش اختلافات زوجین می‌شود. و در نهایت وقوع خیانت زناشویی. این موضوع در موارد مختلف کاملاً متفاوت بود و به طور کلی تعامل و تأثیرات متقابل این عوامل می‌توانست منجر به روابط فرا زناشویی شود و به خودی خود عامل مؤثری مشاهده نشد. سهم هر یک از عوامل از اهداف این مطالعه نبود.

در جامعه ایرانی خانواده به عنوان نردبان کمال انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. و در این نهاد زنان نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند. یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین تهدیدات خانواده‌ها، خیانت زناشویی است که در جامعه ایران به عنوان یک تابو مطرح می‌شود، به خصوص اگر توسط زنان انجام شود. زیرا پایه‌های یک خانواده را تشکیل می‌دهند. بزرگترین محدودیت در این مطالعه موضوع بود. با توجه به اینکه این یک تابو است، افراد به ندرت به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند، بنابراین محدودیت‌هایی در جمع‌آوری داده‌ها و نمونه‌گیری وجود داشت. از آنجایی که پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر مصاحبه بود، محدودیت‌هایی در زمان تحقیق، جلب اعتماد افراد و ایجاد روابط خوب و جمع‌آوری داده‌ها و تعمیم آنها وجود داشت. علاوه بر این؛ به دلیل عدم دسترسی به جامعه آماری با موضوع خیانت زناشویی، امکان استفاده از تحقیقات کمی وجود نداشت.

جامعه ایرانی با توجه به فرهنگ و سیره و سنت غنی و اسلامی خود برای خانواده قداست خاصی قائل است و خیانت زناشویی را عملی زاینبار و ناصحیح به ویژه در صورت ارتکاب زنان می‌داند. خیانت زناشویی به دلایل بیرونی یا شخصی تقریباً همیشه پیامدهای مخربی را برای زوجین به همراه دارد و کل خانواده و حتی جامعه را در معرض مشکلات قرار می‌دهد. از آنجایی که خیانت زناشویی پدیده‌ای است که در هر کشوری به شدت متأثر از فرهنگ، قومیت و حتی خانواده است. یافته‌های مطالعات بین‌المللی را نمی‌توان به طور کامل به خانواده‌های ایرانی تعمیم داد.

این مطالعه با هدف کشف عوامل مؤثر بر خیانت در زنان به شکل کیفی و تدوین بسته‌های مداخله‌ای مشاوره‌ای-درمانی به دنبال استخراج عوامل طبقه‌بندی انجام شد. در مجموع، مطالعه‌ای برای بررسی همه این عوامل و متغیرها وجود نداشت. در مطالعات قبلی تمامی این عوامل و تاثیرات آنها بر روی زنان مورد بررسی قرار نگرفته بود اما مطالعاتی وجود داشت که متغیرها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند.

نتیجه گیری:

یافته‌ها و بحث‌های این پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر خیانت در زنان سه بعدی است. ماهیت و درک زنان از این عوامل شامل عوامل درون فردی، تعارضات زناشویی و دلایل جنسی است. این یافته‌ها می‌تواند به روان‌شناسان، مشاوران خانواده و برنامه‌ریزان در حوزه علوم اجتماعی کمک کند تا در چه زمینه‌هایی و برای چه اهدافی باید برنامه‌ریزی و مداخله کنند. پیشنهاد می‌شود نتایج این مطالعه در مطالعات آینده نگر برای ارزیابی قدرت پیش‌بینی هر یک از عوامل مورد ارزیابی قرار گیرد.